

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: استیفن لیندمن  
برگردان از: آمادور نویدی  
۰۶ جون ۰۱۶

## محمد علی: فعال ضد جنگ و حقوق مدنی

در طول جنگ ویتنام از شرکت در معرفی خود به ارتش امتناع کرد و آشکارا خود را یک معترض باوجدان خواند، معروف است که می گفت: «من هیچ جنگی با ویت کنگ ها ندارم. هیچ ویت کنگی هرگز مرا کاکا سیاه خطاب نکرده است.»... او الهام بخش "مارتین لوتر کینگ" برای اعتراض عمومی علیه جنگ شد. مشهور است که گفت: «وقتی که کشور خود من بزرگ ترین آذوقه رسان خشونت در جهان است، نمی توانم ساکت بمانم.»... در اوایل سال های ۱۹۷۰ در حالی که "علی" هنوز در رینگ فعال بود، در راهرو ساختمان اداری به او برخوردیم. او در آن زمان با چندین نفر دیگر بود. ما مانند عبور کشتی ها در شب از کنار هم گذشتیم. من مزاحمش نشدم تا با او صحبت بکنم. حال که به گذشته نگاهی می اندازم، آرزو می کنم یکاش دستم را به علامت دوستی دراز کرده و دستش را می فشردم و از او قدردانی می کردم.

\*\*\*\*\*

جمعه، ۳ جون ۲۰۱۶، "محمد علی" بوکسور معروف جهان، پس از یک نبرد طولانی با بیماری پارکینسون (بیماری لرزش غیر ارادی اندام بدن - م) در سن ۷۴ سالگی در فوینکس امریکا دیده از جهان فروبست. با گذشت زمان، پارکینسون مهارت های حرکتی و توانایی صحبت کردن او را به طور پیوسته فرسوده ساخت. لونی همسر او گفت حتی اگر چه گفتار او دچار مشکل بود، اما «با مردم با چشمان ... با قلب خود صحبت می کرد، و آن ها با او تماس برقرار می کردند.»

متولد شده با نام کاسیوس مارر سیلوس کلی، در سال ۱۹۶۴ به امت اسلام پیوست، و «نام بردگی» خود را عوض کرد، و "محمد علی" را جایگزین ساخت. پس از مرگ "الیاس محمد" رهبر امت اسلام در سال ۱۹۷۵ به اسلام سنی روی آورد.

در طول جنگ ویتنام از شرکت در معرفی خود به ارتش امتناع کرد و آشکارا خود را یک معترض باوجدان خواند، معروف است که می گفت: «من هیچ جنگی با ویت کنگ ها ندارم. هیچ ویت کنگی هرگز مرا کاکا سیاه خطاب نکرده است.»

در ۲۸ اپریل سال ۱۹۶۷، روز برنامه ریزی شده برای معرفی خود در ارتش هوستون، سه بار پس از خواندن نامش قدم به جلو گذاشت.

به او هشدار داده شد که مرتکب جنایت می شود، اما او استوار ایستاد. او را بازداشت کردند. کمیسیون ورزشی ایالت نیویورک او را از پروانه بوکس زنی و عنوان قهرمان سنگین وزن جهانی محروم ساخت.

کمیسیون های دیگر همین کار را کردند. علی به مدت سه سال نتوانست در هیچ جایی مسابقه بوکس بدهد. در ۲۰ جون ۱۹۶۷، یک هیأت منصفه او را مجرم شناخت. دادگاه تجدید نظر آن حکم را تأیید کرد.

علی تا نتیجه تجدید دادگاه عالی خود آزاد ماند و در ۲۸ جون ۱۹۷۱، در زمانی که فعالیت ضدجنگ در سراسر کشور ادامه داشت، دادگاه عالی به اتفاق آراء به نفع او حکم داد - ولی نه بر مبنای ادعای او، برای این که دادگاه استیناف هیچ دلیلی برای انکار حق او در ارتباط با اعتراض وجدان ارائه نداد.

حکم او عوض شد. او الهام بخش "مارتین لوتر کینگ" برای اعتراض عمومی علیه جنگ شد. مشهور است که گفت:

«وقتی که کشور خود من بزرگ ترین آذوقه رسان خشونت در جهان است، نمی توانم ساکت بمانم.»

مربی او آنجلو داندی شرح داد که فعالیت ضد جنگ "علی"، «او را از بهترین سال های عمرش، سال های برجسته اش برحذر داشت.»

شاید بهترین تکیه کلام به یادماندنی او، «من بزرگ ترینم» باشد. سبک مثل یک پروانه، گزنده مثل یک زنبور.»

نقل قول کمتر شناخته شده او: «می دانم که من آن (زندگی - م) را ساختم، در حالی که دیگر مردم سیاه پوست در جهنم زندگی می کنند، اما تا زمانی که آنها آزاد نباشند، من آزاد نیستم.»

بوکس زنی ورزشی خشونت زاست، با این همه "علی" مدافع صلح و عدم خشونت، مخالف نظامی گری، مقاومت در برابر تبعیض نژادی و بی عدالتی بود.

قدرت درخشش او انتقادات او را طنین انداز کرده بود. او از واشنگتن به دلیل استفاده از درآمدهای مالیاتی فدرال برای جنگ متفرق بود و یک بار گفت:

«با پولی که آنها پس از مبارزه از من برمی دارند، من گلوله های زیادی می خرم، حداقل سه جت بمب انداز در سال، و حقوق ۵۰۰۰۰ هزار مرد جنگ را می پردازم.»

«بوکس هیچ شباهتی مانند رفتن به جنگ با مسلسل، بازوگا، نارنجک دستی، هواپیمای بمب انداز ندارد. هدف من این است که بوکس بازی بکنم، و با یک مبارزه تمیز برنده شوم. اما در جنگ، هدف کشتن است، کشتن، کشتن، کشتن، و ادامه کشتار مردم بی گناه است.»

"علی" از شهرت خود برای مبارزه برای عدالت خارج از رینگ بوکس استفاده کرد، بدون ترس از اظهار نظر افکارش نزد عموم صحبت کرد. معروف ترین مشت زن جهان یک قهرمان ضد جنگ، حقوق مدنی، و عدم خشونت شد.

### یک خاطره شخصی:

در اوایل سال های ۱۹۷۰ در حالی که "علی" هنوز در رینگ فعال بود، در راهرو ساختمان اداری به او برخوردیم. او در آن زمان با چندین نفر دیگر بود. ما مانند عبور کشتی ها در شب از کنار هم گذشتیم. من مزاحمش نشدم تا با او صحبت بکنم. حال که به گذشته نگاهی می اندازم، آرزو می کنم یککاش دستم را به علامت دوستی دراز کرده و دستش را می فشردم و از او قدردانی می کردم.

## درباره نویسنده:

استیفن لیندمن در شیکاگو زندگی می کند. با او می توانید در آدرس زیر تماس بگیرید:

[lendmanstephen@sbcglobal.net](mailto:lendmanstephen@sbcglobal.net)

کتاب جدید او به عنوان سردبیر و نویسنده «نقطه اشتعال در اوکراین: حرکت امریکا برای هژمونی خطرات جنگ جهانی سوم را در بردارد»

<http://www.claritypress.com/LendmanIII.html>

## آدرس وبلاگ استیفن لیندمن:

[sjlendman.blogspot.com](http://sjlendman.blogspot.com)

به بحث در برنامه رادیویی کاتینگ ادج، با میهمانان معروف در شبکه رادیویی پیشرو با خبرهای رادیو پیشرو گوش کنید.

برگردانده شده از:

## Muhammad Ali: Anti-War/Civil Rights Activist

By Stephen Lendman

<http://www.informationclearinghouse.info/article44809.htm>

## یادداشت:

بدون آن که شهامت و فداکاری "علی" را حین امتناع از شرکت در جنگ ویتنام کم بها دهیم، باید بیفزائیم: با آن که "علی" در جوانی با شورش علیه شرکت در کشتار تجاوزکارانه و غیر عادلانه در ویتنام، بزرگترین فداکاری را در همان مقطع انجام داد و با آن کارش گذشته از ماشین نظامی و کشتار امپریالیزم جنایتکار امریکا، دنیای سرمایه را به نبرد فرا خواند و در همان مقطع بزرگترین شکست را بر آنها تحمیل داشت، مگر با تأسف وقتی ۱۵ سال قبل کشور ما افغانستان، مورد هجوم وحشیانه و خونبار امپریالیزم امریکا و شرکابش قرار گرفت، روی دلایل معینی که متأسفانه باز کردن آن از ظرفیت این افزوده، فراختر است؛ نه تنها با همان شهامت و شجاعت قبلی علیه این تجاوز دهشتناک موضع نگرفت، بلکه با آمدن به افغانستان و ملاقات با سربازان امریکائی که از لوله های تفنگ شان دود باروت خارج می شد، آنهم به نحوی که حضورش به مثابه تأیید تجاوز و تشجیع متجاوزان ارزیابی گردید، تمام آن دستاورد را نزد خلقهای جهان، به ویژه آنهایی که فریب امپریالیزم جهانی را نخورده بودند، به صفر ضرب زد.

از دید ما اگر آمدنش به افغانستان، امتیازی به ارمغان آورده باشد، آن ارمغان چیزی نیست، مگر:

در دنیای سیاست، هر روز و هر لحظه و هر موضعگیری، جای و اعتبار خود را داشته، هیچ کس نباید چنان بیندیشد که گویا با یک بار قهرمان شدن، برای همیشه قهرمان می ماند. بلکه باید این را پذیرفت، که در رینگ سیاست، نه زنگ تفریحی وجود دارد و نهم هم زنگ ختم مسابقه، بلکه هر آن و هر لحظه این مسابقه جریان داشته، یک غفلت کوچک، موجب می گردد، تا مبارزه کننده، از رینگ به بیرون پرتاب شده، تمام اعتبارات مبارزاتی اش به صفر ضرب زده شود. با تأسف این همان چیزی بود که در مورد "محمد علی کلی" آن قهرمان افسانه ئی اتفاق افتاد. یعنی کسی که با

امتناع از شرکت در جنگ ویتنام، سرمایه و ماشین نظامی آن را "ناک اوت" نموده بود، با تأیید تجاوز کشورش  
برافغانستان و به خاک و خون کشیدن مردم این کشور به وسیله ماشین جنگی امپریالیزم امریکا چنان "ناک اوت" شد،  
که از افسانه هیچی باقی نماند.

اداره پورتال AA-AA